اطلاعیه

حزب رنجبران ایران

دنیای بی تفاوت به جنگ ۸ ساله ایران و عراق، ناگاه درروز دوشنبه ۲۷ تیرماه ۱۳۶۷ با خبر شدکه رژیم جمهوری اسلامی بدون هیچگونه قیدوشرطی قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحدرا پذیرفته است. طبعا "اساسی ترین پرسشی که مطرح می شوداینست که چرا رژیم مرتجع، جنگ طلب وسرکوبگرجمهوری اسلامی دراین مقطع درست آن قطعنامه ای را می پذیردکه دریکسال گذشته پس ازتصویب آن، بارها وبارها ازجانب سردمداران خوداز قبول آن سرباززده وبرای خمینی بمثابه "کاسه زهر" بوده است.

آیا رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی ازاهداف سیاسی خوددرتسخیرکربلا، سرنگون ساختن رژیم بعثی درعراق وبه محاکمه کشاندن صدام حسین دست کشیده است؟ آیا رژیم خمینی برسرعقل آمده وبخاطرجلوگیری ازخونریزی بیشترتن به قطعنامه ۵۹۸ داده است؟ آیا رژیم خمینی تحت فشارداخلی وتن دادن به خواست مردم این عقب نشینی بزرگ راقبول کرده است؟ آیا رژیم بفرمان امپریالیستها بخصوص امپریالیسم آمریکا چنین حرکتی راانجام داده است؟ برای پاسخ بدین سئوالات بایداین امررا عمیقا "درک کردکه جنگ ادامه سیاست باوسایل دیگربوده وسرنوشت جنگ را، شرایط مادی ومعنوی دوجانب مخاصم معین میکند.

عامل اساسی وتعیین کننده درپذیرش قطعنامه ۵۹۸چیزی جزضعف کلی قدرت نیروی جمهوری اسلامی دربرابر رژیم عراق وشکست های پی درپی ماههای اخیرنیروهای مسلح رژیم جمهوری اسلامی دربرابرنیروهای مسلح عراق نبوده است ازاینروپاسخ به این سئوال، که علل ضعف جمهوری اسلامی وشکست های آن درجبهه جنگ چیست برای درک مسئله ضروری است:

استغییر ماهیت جنگ دورژیم ازجنگ دفاعی رژیم خمینی به جنگ تجاوزی: ادامه جنگ علیه عراق توسط رژیم جمهوری اسلامی پس ازپیروزی برنیروهای مسلح عراق دربیرون راندن ارتش اشغالگرصدام، یعنی تقریبا "از ۶ سال پیش تابحال تجاوزکارانه بوده است. جنگ ارتجاعی میان ایران وعراق اساسا "جنگی بوده که دو رژیم ضدمردمی بدون توجه به خسارات ولطمات مادی وانسانی آن برای خلقهای دوکشوربرپاکرده اند. عراق آغازگرآن بودوایران ادامه دهنده.

این جنگ ویرانگر طبق ارزیابیهای متفاوت خسارات عظیمی رابرای دوکشوربارمغان آورده است:

خسارات تخمینی وارده به ایران حدود ۸۰ تا ۱۷۰ وبه عراق درحدود ۳۰ تا ۸۷ میلیارددلاربوده است چنانچه براین خسارات زیانهائی راکه درزمینه تولیدصنعتی وکشاورزی به دوکشورواردآمده است اضافه کنیم آنوقت طبق آمار "واحداطلاعاتی اکونومیست "لندن، خسارات تخمینی وارده به ایران حدود ۲۱۶ وبه عراق حدود ۱۹۳ میلیارددلارخواهدبود.

این جنگ اساسا "اهداف سلطه گرائی بورژوازی حاکم دوکشوررادنبال کرده وتحت پوششهای "فتح کربلا" و

"قادسیه" عرضه شده است .واقعیات اقتصادی-اجتماعی وتاریخ گذشته روابط دوکشوربخوبی اهداف سیاسی-نظامی حاکمین دوکشوررا عیان میکند .رژیم بعثی عراق درسال ۱۹۷۵ ،هنگامیکه باجنبش بزرگ خلق کرددعراق روبروبوده وقدرت نظامی رژیم شاه برقدرت نظامی عراق برتری یافته بود ،عملا"به نقش ژاندارمی ایران درمنطقه بویژه منطقه خلیج فارس تن داد .اما این تن دادن بمعنای پذیرش واقعی این وضع نبود ،کما اینکه چندسال بعدهنگامیکه براثرانقلاب ،وضع نیروهای مسلح ایران دچارهرج ومرج شده ورژیم خمینی تحت نام "صدورانقلاب "به تبلیغات دامنه داری علیه رژیم بعثی پرداخت ،رژیم بعثی عراق اوضاع رامغتنم شمرده درسپتامبر ۱۹۸۰ باتشویق پاره‌ای ازبازماندگان رژیم شاه ،حمله چندجانبه وسیعی راعلیه خاک ایران آغازکرد .صدام حسین بالغوقرارداد ۱۹۷۵ الجزایردرحقیقت سرکردگی بورژوازی ایران راآشکارازیرسئوال قرارداده وباتسخیربخشهای وسیعی ازخاک ایران عملا"کفه ترازورابسودخودسنگین نمود .

اما رژیم سرمایه جمهوری اسلامی نه تنها ادامه دهنده رژیم سلطنتی درسیاست خارجی ایران بودبلکه با شعای سیاست جهان وطنی وشعار "امت اسلامی به زیریک پرچم" ،بهیچوجه حاضربه پذیرش این شکست خودنبود ، ازاینرودرآغازبابسیج مردم تحت عناوین "دفاع ازمیهن وانقلاب"وسپس تحت شعارهائی نظیر "فتح قدس از طریق کربلا"نه تنها اراضی اشغال شده توسط ارتش عراق رابازپس گرفت بلکه مرزهای بین المللی رادرنور دیده وارتش موج انسانی خودرابرروی راههای مین گذاری شده ی بصره روانه داشت .

رژیم وابسته به امپریالیسم شاه باجنگ ارتجاعی درظفارودخالت مستقیم بسودسلطان قابوس وسپس اشغال نظامی سه جزیره تنب بزرگ ،تنب کوچک وابوموسی درخلیج وبالاخره قراردادالجزایردرسال ۱۹۷۵گامی بزرگ درکسب سلطه‌گری درخلیج برداشت ،رژیم خمینی نیزبمثابه فرزندخلف رژیم سلطنتی می کوشدتابابرانداختن صدام حسین واستقراریک جمهوری اسلامی شیعه دربغدادگام درجای پای رژیم شاه گزارد ،تاازاین طریق به خواستهای بورژوازی حاکم درایران جامعه عمل بپوشاند .

۲-مخالفت امپریالیسم آمریکا باپیروزی رژیم ایران :باوجوداینکه قدرتهای بزرگ درزمان شاه بنوعی دررابطه بانقش ژاندارمی رژیم ایران درخلیج به توافق رسیده بودندولی باروی کارآمدن رژیم ملاها و اتخاذسیاست ضدآمریکائی ناشی ازجوموجوددرجامعه دردوره‌ای وسپس سیاست هم شرقی وهم غربی ازسوئی وتغییرات حاصله درصحنه بین المللی ازسوی دیگرودرنتیجه تغییرتوازن قوادرمنطقه ،استراتژی ژاندارمی ایران راازدورخارج ساخت .ازاینروامپریالیسم آمریکا علیرغم فروش اسلحه بطورمستقیم وغیرمستقیم به رژیم خمینی تلاش نمودازپیروزی رژیم خمینی بررژیم بعثی عراق جلوگیری نماید .لذابدرستی میتوان گفت پیروزیهای نظامی اخیرعراق جدانا پذیرازکمک های غیرمستقیم آمریکا (نظیرجلوگیری ازرسیدن سلاحهای تعیین کننده به ایران ،گسیل ناوگان جنگی خودبه خلیج ،بمباران پایگاههای نظامی رژیم خمینی در خلیج ،دادن اطلاعات نظامی به رژیم عراق وبالاخره سرنگون ساختن حنایتکارانه هواپیمای مسافربری ایران و .....)می باشد .طبعا " آمریکا ضمن مخالفت باپیروزی ایران برعراق ،مخالف سقوط رژیم خمینی که ماهیتا "رژیمی ضدکمونیست است بوده وبه همین خاطرجناحی ازحاکمین راغیرمستقیم پشتیبانی میکرد ،ازاین

روهدف ازشکست ایران را نه براندا ختن رژیم جمهوری اسلامی بلکه روی کارآمدن جناح با صطلاح میانه رو قرار داده بود.

۳ـ مخالفت مردم با جنگ :هشت سال جنگ ارتجاعی ایران وعراق وفشارهای ناشی ازآن که حامل پیامدهائی درکلیه زمینه ها بودنمیتوانست مخالفت مردم ما را نپذیرد از اینروعلیرغم دیکتاتوری عریان وفاشیستی رژیم اسلامی خمینی ،فریادهای مخالفت با جنگ قدم بقدم اوج گرفته ورژیم را درتنگنا قرارداد. تنها دریک موج انسانی حمله ۵۰ هزارنفرازنیروهای مسلح رژیم فدای امیال توسعه طلبانه وی گردیدند. بنابرتخمین زده شده ایران هفتصدهزارکشته ودومیلیون زخمی داده است .آوارگان جنگی رقمی رابیش از دومیلیون نفرتشکیل میدهند ،خسارات روحی واخلاقی این جنگ آن حدی است که سالها تاءثیرات خودرا بر جامعه ایران باقی خواهدگذارد .کافی است بگوئیم که این جنگ طولانی ترازجنگ جهانی دوم بوده ودر قرن حاضردرنمونه خودبی سابقه می باشد.

مردم ما وتوده های وسیع خلق با استراتژی ژاندارمی منطقه درگذشته مخالف بوده واکنون نیزبا سیاست "امپراطوری اسلامی"رژیم خمینی مخالفند .مردم ایران وعراق چنانچه ازرژیم های دمکراتیک و مردمی برخوردارگردندمی توانندازنزدیک با یکدیگرهمکاری نموده وبه بهبودوضع مردم خودوساختمان کشورهای خویش بپردازند.

بورژوازی دوکشوردرارتباط با بازارمنطقه وجهان ودرست بخاطرسرکوب طبقات زحمتکش ونیروهای چپ چنین استراتژی سیاسی رادنبال میکنند .اکنون پس از۸سال جنگ توده های وسیع مردم به اشکال گوناگون مخالفت خودرا با جنگ ابرازداشته ودرچندماه اخیربا تمام جوخفقان به تظاهرات ضدرژیم و ضدجنگ پرداختند .درهمین زمینه بایدازمبارزات نیروهای مترقی وانقلابی درخارج ازکشوردرمخالفت با جنگ وانعکاس خواست اکثریت عظیم مردم مایادبردکه توانست درحدخودبرروی افکارعمومی جهان تاءثیر گذارد.

۴ـ قدرت اقتصادی ایران با توجه به سیاست ضداقتصادی رژیم حاکم قادرنیست ماشین جنگی بزرگ رژیم را تحمل کند .بسیاری ازکارخانه های کشوربدلیل نرسیدن مواداولیه وقطعات یدکی ناشی ازعدم اختصاص ارزموردنیازبرای این کارازطرف دولت یاکاملا"تعطیل شده ویادرمعرض تعطیل شدن هستندوآنچه کار میکنداساسا "درخدمت ماشین جنگی بوده وبه شکراینه ارزدولتی برای واردکردن موادخام خارجی،روی پا ایستاده است .کشاورزی ایران با توجه به رشدنفوس وهجوم جمعیت به شهرها همچنان به بحران گذشته خود دردوره شاه ادامه داده وروستاها به ویرانی بیشتری کشیده شده اند .فرارمغزها ازهم پاشیدن شیرازه تحصیلات حرفه ای ومدیریت ،عملا"اقتصادبحران زده ایران راکه رژیم شاه رادرکام خودبلعیدبه اضمحلال کامل کشانده است .چنانچه براین عوامل ،عامل صدورنفت راکه درسالهای اخیربسیارتنزل کرده است اضافه کنیم ،آنوقت بخوبی میتوان گفت که وضع اقتصادی ومالی ایران یکی ازاساسی ترین عوامل درضعف قدرت نظامی رژیم خمینی می باشد.

۵ـ برعوامل یادشده بالا بایدرشدتضادجناحهای مختلف هیاءت حاکمه رادررابطه با ادامه جنگ افزود.

چون درسالهای اخیرشواهدی دیده میشدکه همه‌جناحها به یکسان ازسیاست "جنگ ،جنگ تا پیروزی"پشتیبانی نکرده وچنانچه امرارخمینی درادامه جنگ نباشد ،دسته‌هائی حاضرندبه مخالفت برخیزند .ازکلیه اظهارات رژیم درتوجیه پذیرش قطعنامه ۵۹۸ چنین برمیایدکه دردرون رژیم شدیدا "برسرادامه جنگ مخالفت‌هائی بوده‌است وهمین مخالفت‌ها خمینی را مجبوربه عقب نشینی کرده‌است .

۶ـ تزلزل درروحیه مزدوران رژیم جمهوری اسلامی :شکست‌های پی درپی رژیم درچندماه اخیرتنها ناشی ازکمبودسلاح نبوده‌است ،طبق گزارش خبرنگاران خارجی درپاره‌ای ازحملات ،ارتش عراق با عامل جدیدی در جنگ با نیروهای رژیم خمینی روبروشده‌که همانا فرارپاسداران وسربازان ایرانی ازمیدان جنگ بوده است .دراغلب عقب نشینی ها آنها حتی لوازم شخصی خودرا برجای گذارده‌بودند .درجنگی که سربازان روحیه نداشته باشند ،بهترین سلاح‌ها هم چون بدست آنها بایدبکاربرده‌شوندبی اثرمیمانند .

باتوجه به‌نکات بالا روشن میگرددکه تن دادن رژیم مرتجع خمینی به قطعنامه ۵۹۸ وقبول دست کشیدن ازجنگ نه براثر" استخاره "امام خمینی بلکه براثرشکست نیروهای مسلح رژیم درمیدان جنگ ، مخالفت‌های مردم باجنگ ،انفرادرژیم درسطح جهانی،رشدتضادهای درون حاکمیت وفراهم شدن زمینه برای رشدنیروهای مخالف رژیم بوده‌است .

اکنون برای نیروهای مبارزانقلابی ودمکراتیک این سئوال مطرح میشودکه آیا این دورژیم قادرندبه جنگ خاتمه داده وصلح نسبتا " طولانی را مستقرنمایند؟

جنگ وصلح دوجانب یک تضادرا تشکیل داده‌ووحدت ضدین می باشند ،استراتژی جنگ توسط بورژوازی حاکم ایران وعراق کسب هژمونی درمنطقه بوده‌واستراتژی صلح نیزادامه همین سیاست بدون اسلحه میباشد . چراکه نظامی شدن بیشتررژیم های ایران وعراق ،احتمال دستیابی هردوکشوربه سلاحهای قویترازجمله به سلاحهای هسته‌ای،وضع نابسامانی منطقه وحل نشدن تضادهای موجودوبویژه‌رقابت شدیدابرقدرتها در منطقه وادامه حاکمیت بورژوازی هژمونی طلب براین دوکشوردرتضادماهوی باصلح قراردارند .بایدبراین عوامل ،نقش دولت صهیونیستی واشغالگراسرائیل راهم اضافه کردکه دراین چندین سال ازبرکت وجود جنگ ایران وعراق سودبسیاربرده‌وباخاتمه یافتن آن خطربالقوه عراق برای اسرائیل فزونی خواهد یافت .بهمین خاطراسرائیل بابکاراندانختن اهرم های خودتلاش خواهدکردتانیروهای مسلح ایران وعراق همچنان برسرمرزها درمقابل هم‌صف آرائی کنند .امابهرحال استراتژی جنگ جای خودرابه‌استراتژی"صلح"خواهد دادواین تغییراستراتژی‌اجبارا "وظائف وتاکتیکهای جدیدی‌رادربرنامه‌عمومی سازمانهای‌مبارزومترقی بر علیه رژیم جمهوری اسلامی ایجادمیکند .اگرقبول کنیم که جنگ ارتجاعی ایران وعراق ادامه منطقی سیاست ارتجاعی قبل ازوقوع جنگ بود ،پذیرش قطعنامه ۵۹۸ ازجانب ایران وناشی ازآن بوجودآمدن نوعی "صلح"میان دورژیم همچنان خصلت ارتجاعی خودرابصورت سیاست ارتجاعی بعدازخاتمه جنگ حفظ خواهد کردهمانطورکه‌این جنگ ره‌آوردی جزفقروفلاکت روزافزون برای طبقه کارگروسایرتوده‌های زحمتکش،تشدید اختناق وسرکوب و....نداشته‌است قبول قطعنامه ۵۹۸ علیرغم اینکه به مثابه پیروزی مردم ما در جبهه ای برعلیه رژیم اسلامی می باشدولی پایانی برای نبردبزرگ مردم مابارژیم جهل وسرمایه خمینی

نخواهدبودازاینروبایدضمن ادامه مبارزه برای خاتمه دادن به جنگ ،ازشرائط مساعدناشی ازشکست رژیم استفاده نموده ومبارزه رابرای براندازی رژیم خمینی وسعت بخشید ،وازاین طریق به صلحی پایدار دست یافت .

دراین برهه ازتاریخ ایران ،مجددا" مادربرابردوراه قراردارایم ،راه بورژوازی یاراه طبقه کارگر راه دیکتاتوری سلطنتی وادامه ولایت فقیه اسلامی یاراه دمکراسی وحاکمیت زحمتکشان .

ازسوئی بورژوازی حاکم باپشتیبانی امپریالیسم تلاش خواهدکردبرویرانه های جنگ ،نظامی همچنان بورژوائی اماباچهره ای "سازنده "و"اصلاح طلب"برسرکارنگه داردوازهم اکنون نشانه هائی است که وفسنجانی نه تنهاسیاست درهای بازرادرسطح جهانی میخواهد دنبال کند ،بلکه همین سیاست رامی خواهد درداخل باجناح های دیگربورژوازی به پیش برد .ازسوی دیگراپوزیسیون بورژوازی کوشش خواهدنمودتا ازشرایط مساعدناشی ازضعف رژیم فعال ترشده بخشهائی ازآن برای نزدیکی بارژیم درلباس نجات دهنده آن ازخطری که موجودیت دستگاه دولتی بورژوازی حاکم راتهدیدمیکندوبخشهائی دیگردرکسب حمایت امپریالیسم جهانی ،وبویژه امپریالیسم آمریکابرای نشان دادن خودبجای خمینی تلاش خواهدنمود .

طیف های مختلف رویزیونیستها علیرغم خیانت چندین ساله خودقدمهای زیادی رابرای متحدشدن با یکدیگربرداشته وبدون شک کوشش های خودرابرای بوجودآوردن جبهه متحدی فزونی خواهندبخشید .

درمقابل این وضعیت نیروهای چپ مستقل بایدشرایط رادریابندا گردروضعیت عادی ،سالهای متمادی لازم است تاتغییرات اساسی درتوازن قوادرجامعه بوجودآیددرشرایط بحرانی این تغییروتحولات بسیارسریع حادث میگیرند ،عدم آمادگی لازم برای مقابله باتغییرات اجتماعی ،بدون شک لطمات جدی به منافع خلقهای میهن مابویژه زحمتکشان واردخواهدساخت.

حزب مابمثابه بخشی ازجنبش کمونیستی ایران وظیفه مرکزی خودرا" سرنگونی مسلحانه رژیم جمهوری اسلامی واستقرارجمهوری دمکراتیک خلق "قراردادهودرخدمت به این وظیفه روی گسترش مبارزه مسلحانه وایجادنیروی مسلح یاتوسعه آن تاایجادارتش سرخ کارگران ودهقانان برهبری طبقه کارگر ،پیوند ، سازماندهی ورهبری مبارزات توده ای بویژه کارگران ودهقانان ودیگرزحمتکشان شهروده ،مبارزه برای تحقق آلترناتیوکمونیستی یعنی دمکراسی نوین وبالاخره مبارزه برای وحدت بخشیدن به صفوف جنبش کمونیستی ایران که هم اکنون بصورت تشکلهای جداگانه درتفرقه وتشتت بسرمی برند ،همواره تاءکید گذارده است .وضعیت مساعدکنونی ایجاب میکندکه سکتاریسم ودگماتیسم راکنارزده وگامهای عملی در جهت مبارزه علیه بورژوازی حاکم ونهایتا "ایجادحزب واحدسراسری برداشته ودراین روندبرای رفع کمبودعنصرذهنی ،پیشروو آگاه درخدمت تهیه مقدمات وتدارک برای پیروزی انقلاب بردارند .

ماهواداران حزب رنجبران ایران درخارج ازکشور ،سازماندهی نیروهای چپ رادرخارج درجنبشی دمکراتیک علیه رژیم ارتجاعی خمینی گامی مثبت وارزنده دررسیدن به اتحادعمل نیروهای وابسته به طبقه کارگردانسته وصمیمانه دست خودرابسوی همه آنهائیکه قلبشان برای پیروزی خلقهای ایران و

بویژه زحمتکشان می طپد، بسوی همه آنهائی که خواستار آنند از شرایط مساعد کنونی برای سرنگون ساختن رژیم بورژوائی حاکم استفاده کنند دراز کرده و به سهم خود در این راه کوشا خواهیم بود.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی
برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق
زنده باد سوسیالیسم و کمونیسم

"هواداران حزب رنجبران ایران درخارج"
۳ مرداد ۱۳۶۷

آدرس پستی

Horlemann Publizistik
5463 Unkel
W.Germany